ادامه از صفحه اول

گروگانگیری صندوق تامین اجتماعی

۱- در ماده دو قانون تامین‌اجتماعی که به تعاریف می‌پردازد به صراحت اعلام می‌دارد بیمه‌شده شخصی است که رأسا مشمول مقررات تامین‌اجتماعی بوده و با پرداخت مبلغی به‌عنوان حق بیمه حق استفاده از مزایای مقرر در این قانون را دارد بر اساس چنین رویکردی است که قانونگذار به‌دنبال ایجاد ثبات و امنیت خاطر برای نیروی کار است تا بتواند در مقابل پرداخت حق بیمه سهم خود از مزایای مندرج در قانون تامین‌اجتماعی برخوردار شود بنابراین در ماده شش قانون به صراحت اعلام می‌دارد کارفرما مسوول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه‌شده به سازمان است و در ادامه می‌گوید تاخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه یا عدم پرداخت آن رافع مسوولیت و تعهدات سازمان در مقابل بیمه‌شدگان نخواهد بود. متاسفانه در اعصار مختلف و با وجود مکانیسم‌های قانونی چون مواد ۴۹ و ۵۰ قانون تامین‌اجتماعی در وصول حق بیمه حتی از طریق قوه قهریه گویا راحت‌ترین راه ایجاد محدودیت برای ارایه خدمات به بیمه‌شدگان است که خود این مساله می‌تواند موجب درگیری بین کارگر و کارفرما و تیره‌شدن بیشتر فضای کسب‌وکار در کشور شود با این حال به‌دنبال شکایت جمعی از بیمه‌شدگان از صندوق تامین‌اجتماعی درخصوص عدم اجرای صحیح ماده ۳۶ قانون در مهرماه سال ۱۳۸۳ هیات عمومی دیوان عدالت‌اداری نیز از منظری دیگر صندوق تامین‌اجتماعی را مجاب به انجام تعهدات خود در مقابل بیمه‌شدگان با وجود امتناع کارفرما از ارایه فهرست و حق بیمه می‌کند.

۲- بی‌ثباتی در مدیریت عالی صندوق در هشت سال گذشته و نداشتن راهبرد صحیح در چارچوب روح کلی قانون تامین‌اجتماعی منجر به رفتارهای ضدونقیض در تصمیم‌گیری درخصوص تحت شمول قراردادن بیمه‌شدگان به لحاظ اجباری و اختیاری شده است آنچه از مجموعه قوانین صندوق تامین‌اجتماعی در طول سال‌های گذشته استنباط می‌شود و با نگاهی به تجربه‌های جهانی نیز این تفسیر را اثبات می‌کند که باید رویکرد کلی و قالب فعالیت‌های بیمه‌ای در این صندوق بر اساس بیمه‌شدگان اجباری شکل و سازماندهی پیدا کند. بر این اساس مواد چهار الی هشت قانون تامین‌اجتماعی حکایت از حمایت از بیمه‌شدگان اجباری دارد و فقط در تبصره ذیل ماده هشت اشاره‌ای به بیمه‌شدگان اختیاری می‌کند که آن هم ناشی از خارج‌شدن افراد به دلایل مختلف از شمول بیمه‌شدگان اجباری و خواستار ادامه روند گذشته خود می‌باشند. به‌طوری که تا سال ۱۳۵۰ فقط ۳۶۶نفر در این صندوق بیمه اختیاری بودند که در دهه‌های بعدی این عدد به ترتیب ۲۸۹۴نفر، ۲۸۰۱۱نفر، ۲۱۸۸۶۸نفر و در پایان سال ۱۳۹۰ به کمتر از چهاردرصد و ۵۰هزارنفر رسیده است که روندی بسیار معقول و طبیعی دارد.

ادامه در صفحه ۱۵

دریادار سیاری، فرمانده نیروی دریایی ارتش در گفت‌وگو با «شرق»:

نیروی مسلحی پیروز است که پشتوانه آن مردم باشند

محمد نوروزی

با دریا بیشتر انس دارد تا خشکی، نه اینکه از خشکی فراری باشد اما دریا را بیشتر دوست دارد شاید چون بیشتر خاطرات تلخ و شیرینش را با آن گذرانده. وقتی با او حرف می‌زنی اثری از سختی ۷۰درصد جانبازی‌اش نمی‌بینی، پرانرژی و باافتخار از نیروی دریایی سال‌های جنگ و سال‌های پس از آن حرف می‌زند. فرمانده دوران دفاع مقدس، با ۹۴ ماه حضور در مناطق عملیاتی، از نوجوانی برای دفاع از میهنش به خدمت ارتش درآمد. امیر دریادار «حبیب‌الله سیاری» فرمانده نیروی دریایی ارتش، پس از پایان تحصیلات دبیرستان، در ارتش استخدام شد و پس از طی دوره مقدماتی در رسته تکاوری در دانشکده افسری نیروی زمینی، مشغول به تحصیل و پس از پایان تحصیلات، در نیروی دریایی ارتش مشغول خدمت شد. دوره‌های کلاه سبزی، دافوس و علوم استراتژیک را در دانشگاه عالی دفاع ملی گذراند، دارای درجه نظامی دریاداری، مدرک تحصیلی دکترا و عضو هیات‌علمی دانشگاه دفاع ملی است. او بالغ بر ۳۲ ماموریت جنگی و اعزام به مناطق عملیاتی به ویژه آبادان و خرمشهر را در پرونده نظامی خود دارد. فرماندهی آموزش تفنگداران دریایی منجیل، فرماندهی تیپ یکم تفنگداران دریایی بندرعباس، جانشین فرمانده منطقه یکم دریایی، فرمانده آموزش تخصص‌های دریایی رشت و منطقه چهارم دریایی نداجا از مسوولیت‌های او بوده است. امیر سیاری پس از آن به ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران منتقل شد و به‌عنوان جانشین معاون هماهنگ‌کننده، مشاور نظامی و معاون امور اجرایی و پشتیبانی خدمات رزمی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران به ایفای نقش پرداخت. او در سال ۱۳۸۴ به‌عنوان جانشین فرمانده نیروی دریایی به نداجا (نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی) بازگشت. از مرداد ماه سال ۱۳۸۶ با حکم مقام‌معظم‌رهبری به سمت فرماندهی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب شده است. او هفتمین فرمانده نیروی دریایی ارتش است که پس از پیروزی انقلاب این مسوولیت را برعهده دارد. در دوران فرماندهی او، نیروی دریایی به موفقیت‌ها و دستاوردهایی چون ساخت ناوشکن جماران ۱ و ۲، ساخت انواع شناورهای سطحی و زیرسطحی، حضور و پیشروی در آب‌های آزاد، تامین امنیت کامل ناوگان حمل‌ونقل دریایی و مقابله با دزدان دریایی دست یافته است. در ادامه گفت‌وگوی «شرق» با امیر دریادار سیاری را می‌خوانید.



عکس: امیر جدیدی، شرق

وقتی جنگ، شد غافلگیر شدید؟

نه. غافلگیری یعنی اینکه آدم هیچ‌گونه آمادگی‌ای نداشته باشد، شاید اینکه آمادگی صددرصد داشته باشیم وجود نداشت اما ما در نیروی دریایی غافلگیر نشدیم. اگر غافلگیر شده بودیم نمی‌توانستیم اینطور در صحنه حضور پیدا کنیم. یعنی شاهکاری که نیروی دریایی در هشت‌سال دفاع مقدس انجام داد در تاریخ جنگ‌های هیچ کجای دنیا سابقه ندارد، اینکه ۶۷ روز از جنگ گذشته باشد و شما نیروی دریایی دشمن را کاملا شکست داده باشید، شوخی نیست. نیروی دریایی دشمن روز شصت‌وهفتم جنگ شکست خورد و همین نشان می‌دهد ما آمادگی داشتیم هرچند پس از انقلاب، آسیب‌هایی به بدنه ارتش وارد شده بود. دشمن اینطور برآورد کرده بود که موقعیت خوبی برای حمله است. ابتدا صدام را تحریک کردند که الان زمان خوبی است. از علاقه‌مندی‌هایی که دشمن داشت سوءاستفاده کردند مثلا گفتند اگر جمهوری‌اسلامی را شکست بدهی هم از رشد انقلاب جلوگیری کرده‌ای هم خوزستان را می‌گیری و صاحب ذخایر نفت آنچنانی می‌شوی، جزو سران اعراب و ژاندارم منطقه می‌شوی و از این‌دست وعده‌ها؛ آنها وعده کمک‌های اطلاعاتی، تسلیحاتی و حتی پول و دلار هم به صدام کردند و او هم دید اینطور است تصمیم به حمله گرفت. وقتی انقلاب در کشوری رخ می‌دهد همه‌چیز شکل دیگری به خود می‌گیرد، همه سازمان‌ها و نهادها در حال بازسازی خود بودند. ارتش هم در آن زمان همین وضعیت را داشت. یعنی سران طاغوتی که بودند از بدنه خارج شده و رفته بودند. آسیب جدی هم به آن وارد کرده بودند اینکه خدمت سربازی را به یک‌سال کاهش داده بودند و آمار نیروی انسانی پایین آمده بود. به‌طور کلی آمادگی صددرصد وجود نداشت و دشمن هم بر همین اساس برآورد کرده بود و شعارشان این بود که یک‌روزه خرمشهر، سه‌روزه خوزستان و هفت‌روزه تهران را می‌گیریم اما همین که نتوانستند این کار را بکنند یعنی ارتش به خوبی در مقابل دشمن ایستادگی کرد.

اگر ارتش ایستادگی نمی‌کرد آنها به اهدافشان می‌رسیدند پس چون نتوانستند نشان می‌دهد که ارتش با موجودی‌ای که داشته، همتی که پای کار آوردند و نقشی که امام داشت، موفق بوده است. نیروی دریایی ارتش هم با وجود آسیب‌هایی که دیده بود به خوبی در صحنه حاضر شد. نکته ظریف در نیروی دریایی این است که نیروی دریایی تجهیزات‌محور است و کشتی‌هایش از فناوری بالایی برخوردار بودند، قبل از انقلاب دست مستشاران بود، فکر می‌کردند ما نمی‌توانیم از این امکانات استفاده کنیم ولی سربازان انقلاب و نظام و امام آنچنان در کوتاه‌مدت بر تجهیزات تسلط یافتند که اصلا اجازه ندادند نیروی دریایی دشمن خودنمایی کند.

با توجه به گفته شما مبنی بر اینکه با وجود خروج مستشاران و برخی فرماندهان پس از انقلاب و بالابودن فناوری تجهیزات نیروی دریایی، چطور ارتش توانست خود را زود پیدا کند؟

وقتی انقلاب شد، برخی کسانی که وابسته به طاغوت بودند یا فرار کردند یا برخی‌شان دستگیر شدند، ارتش ماند با بدنه انقلابی خودش. این بدنه انقلابی در پیروزی انقلاب هم نقش اساسی داشته است. بدنه ارتش که فرزندان مردم بودند و به رژیم طاغوت وابسته نبودند همان‌هایی بودند که به فرمان امام، پادگان‌ها را ترک کردند، همان‌هایی بودند که در تظاهرات به‌جای تیراندازی به مردم گل دادند، بدنه ارتش بدنه انقلابی بود. این بدنه انقلابی در زمان جنگ هم بود. فرماندهی امام در آماده‌شدن برای دفاع مقدس نیز بسیار تاثیرگذار بود.

نقش ارتش و سپاه در جنگ هشت‌ساله معمولا سوال بوده است شما نقش کدام‌یک را پررنگ‌تر می‌دانید؟

هیچ کشوری نمی‌تواند تنها با تکیه بر نیروهای مسلحش ایستادگی کند. ارتشی یا نیروهای مسلحی در نبرد پیروز می‌شوند که پشتوانه مردمی داشته باشند. مردم هستند که قدرت کشور را می‌سازند. نه‌تنها آن‌موقع، بلکه امروز هم اگر کشور ما توان بازدارندگی بالایی دارد دلیل آن این است که پشتیبانی عظیم مردم وجود دارد.

در آن مقطع زمانی ارتش در صحنه بود، پشت سر آن سپاه و بسیج تشکیل شد، همه دست‌به‌دست هم دادند تا قدرتی تشکیل شد که دشمن را شکست داد. قدرتی که قسمت اعظم آن از نیروهای مردمی بود. مردم به صحنه آمدند. اینها همه‌اش لازم و ملزوم هم‌اند. الان هم اگر نیروهای مسلح توان بازدارندگی دارد به‌خاطر پشتیبانی مردم است. اما در نیروی دریایی به دلیل تجهیزات محور بودن این نیرو، تجهیزات نقش اساسی دارند و از سوی دیگر کاربری تجهیزات نیز کار تخصصی است لذا تنها خود نیروی دریایی در عرصه حضور داشت یعنی بستری نبوده که بتواند از مردم استفاده کند. با همه اینها نقش اصلی در هشت‌سال دفاع مقدس به عهده امام(ره) بود، بقیه، همه سربازان امام بودند اعم از ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای مردمی. نقش اصلی برعهده امام بود و مصداق آن هم اینکه زمانی که خرمشهر آزاد شد امام فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد.» نقش اصلی با فرمانده است و فرمانده، امام بود.

بعد از فرمانده نقش اصلی به عهده چه کسی بود؟

سربازان.

سربازان ارتش یا سپاه؟

همه باهم بودند. همه با هم دفاع کردیم. برای اینکه بگوییم چه کسی چقدر نقش داشته باید به اسناد نگاه کنیم. در مورد نیروی دریایی می‌توانم بگویم که توجه‌ها بیشتر به سمت عملیات زمینی و اینها بوده اما آنچه در دریا گذشته و نیروی دریایی ارتش در آن نقش داشته است تاثیر زیادی بر جنگ گذاشته است چراکه مسایل اقتصادی کشور را نیروی دریایی هدایت می‌کرد. اگر ما نمی‌توانستیم چرخه اقتصادی کشور را تامین کنیم آیا می‌توانستیم در جبهه‌ها بجنگیم، اینها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این یک واقعیت است که نقش نیروی دریایی نقش مهمی بوده است. ما تمام اسناد و مدارک جنگ و نقش نیروی دریایی را جمع کرده‌ایم و روزشمار آن را نوشته‌ایم و الان جلد ۱۵ آن در حال چاپ و تهیه است.

بر اساس همین اسناد نقش ارتش چقدر بوده است؟

من نقش نیروی‌دریایی را می‌دانم که بی‌بدیل بوده است. نیروی دریایی به لطف خدا و به برکت وجود امام وظیفه خود را به‌خوبی انجام داد.

تجهیزات نیروی دریایی در زمان جنگ چطور بود؟

نیروی دریایی یک نیروی تجهیزات‌محور بوده و تجهیزاتی که قبل از انقلاب داشتیم تجهیزات خوبی بود و از نظر توان رزمی بالا بود مانند ناوهای موشک‌انداز کلاس کمان که از نظر توان رزمی بسیار بالا بود، ناوشکن‌ها و هواناوها هم به همین ترتیب. در آن مقطع زمانی توان زیرسطحی نداشتیم. انقلاب که شده بود دشمن فکر می‌کرد ما نمی‌توانیم این تجهیزات را راهبری کنیم اما ما بر این تجهیزات تسلط پیدا کردیم و اینها به لطف رهنمودهای امام بوده است که روی پای خود بایستیم و دست به سوی کسی دراز نکنیم. جوان‌ها آمدند و تجهیزات را راه انداختند امروز هم آن تجهیزات بهینه شده و هم پیشرفته‌تر از آنها ساخته شده است و اکنون توان زیرسطحی یعنی زیردریایی‌ها هم به آن اضافه شده است.

در زمان جنگ یعنی از نظر تجهیزات مشکلی نداشتید؟

ما کشوری بودیم که قطعه وارد می‌کردیم و تعمیرات قطعاتمان را دیگران انجام می‌دادند و در خارج از کشور آموزش می‌دیدیم. انقلاب که شد امام فرمان داد باید روی پای خود بایستیم و ما همین کارها را انجام دادیم و اینها به برکت انقلاب بود، اگر انقلاب نشده بود این توانمندی‌ها را به‌دست نمی‌آوردیم. ما امروز آموزش استاندارد جهانی داریم. امروز چه کسانی ناوها را به دریای مدیترانه، خلیج بنگال، کانال سوئز و... می‌برند، اینها همین فرماندهان و مدیرانی هستند که در دانشگاه‌های خودمان آموزش دیده‌اند و این یعنی آموزش‌های ما مطابق استاندارد جهانی است چرا که ما اکنون در سطح جهانی حضور داریم. ما امروز قطعات را هم خودمان می‌سازیم و تولید می‌کنیم کشوری بیاید و ادعا کند که به ما قطعه فروخته است، اما چنین چیزی وجود ندارد ما امروز ساماندها را خود تولید می‌کنیم و خود تعمیرات اساسی را انجام می‌دهیم و تجهیزات نو هم می‌سازیم؛ ناوشکن‌ها و زیردریایی‌ها و... همه را بچه‌های خودمان می‌سازند. تاکتیک‌ها هم به همین صورت. تاکتیک‌های ما پیش از انقلاب غربی بود اما آیا الان هم اینطور است، نه، اگر اینطور بود که دستمان رو می‌شد. تاکتیک‌های ما امروز از ابتکارات و خلاقیت کارکنان خود نیروی دریایی است. اینها بلوف نیست. عین واقعیت است. بارها از کشورهای دیگر به ما گفته‌اند که «شما واقعا ناوشکن می‌سازید؟» اینها هست حالا ممکن است اشکال‌ها و آسیب‌هایی هم باشد ولی کسانی هم که ساخته‌اند از اول کارشان صددرصد نبوده است.

می‌خواهم در ادامه از شرایط فعلی سوال کنم. موضوعی به‌نام دیپلماسی پنهان اما فعال وجود دارد. می‌خواستم بدانم نقش نیروی دریایی با توجه به شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی در این نوع دیپلماسی چیست؟

اگر پنهان باشد که من مجاز به گفتنش نیستم (خنده) اگر آشکار باشد هم که خودتان باید مطلع باشید. ما در استخر خودمان شنا می‌کنیم، مسوولان بلندپایه در این زمینه‌ها اظهارنظر می‌کنند. ما در آب‌های آزاد حضور داریم و اینها نوعی دیپلماسی است. ناوهای ما در بنادر کشورهای مختلفی پهلو گرفته و این نوعی برقراری ارتباط است و انتقال‌دهنده پیام صلح و دوستی است.

شما پیش از این از امکان برگزاری رزمایش مشترک با برخی کشورها گفته بودید. با توجه به شرایط جدید بین‌الملل، این رزمایش‌ها در آینده برگزار می‌شود؟

ما کار خود را بر اساس سیاست‌های کلی نظام انجام می‌دهیم. حالا ممکن است در آینده دولت به این تصمیم برسد که نیروی دریایی به کشورهای دیگری هم برود و در این‌باره سیاست‌های کلی نظام تعیین‌کننده است و ما در این چارچوب که توسط ستاد کل نیروهای مسلح به ارتش ابلاغ می‌شود کارمان را انجام می‌دهیم.

رزمایش مشترک چطور؟

ممکن است که در آینده با عمان رزمایش داشته باشیم اما توسعه رزمایش‌ها بستگی به تصمیم ستاد کل نیروهای مسلح و سیاست‌های کلی نظام دارد. تشخیص و اجرای آن بر عهده مسوولان بلندپایه است. البته با عمان هر سال رزمایش مشترکی داریم، امسال هم داریم.

چرا عمان؟

عمان کشور جنوبی تنگه‌هرمز است و با آنها برای برقراری امنیت تنگه‌هرمز ارتباط داریم و همچنین در کنترل منطقه، تجسس و نجات، مبارزه با ناامنی‌ها و حفظ محیط‌زیست همکاری داریم. ما در این منطقه ماموریت داریم برای هر کشتی که اتفاقی بیفتد به آن کمک کنیم.

شما به نقش عمان در روابط ایران و آمریکا واقفید، این در راستای همان دیپلماسی پنهان و فعال است؟

من اطلاع ندارم.

با ناوهای آمریکا که در منطقه حضور دارند در تامین امنیت منطقه همکاری می‌کنید یا برعکس تنشی در این بین به‌وجود آمده است؟

ما تمام تحرکات نیروهای فرامنطقه‌ای را تحت کنترل داریم و رصد می‌کنیم و بنا بر قوانین بین‌المللی هم هرکسی مرتکب خطا شود تذکر می‌دهیم تاکنون هم هروقت تذکر داده شده حتما منطقه را ترک کرده‌اند و موردی نبوده که بی‌توجهی کنند. آمریکایی‌ها هم بیشتر در حوزه آب‌های آزاد هستند.

همکاری تا به‌حال چطور بوده است؟

نه همکاری نداشته‌ایم. ما اسکورتمان را انجام می‌دهیم. به یک کشتی آمریکایی هم البته در دریای سرخ کمک کرده‌ایم. در مورد دزدان دریایی چندین کشور با یکدیگر پیمان دارند که همکاری می‌کنند اما بعضی کشورها مثل ایران مستقل کار می‌کنند. ما به ۱۶،۱۵ کشور جهان که کشتی‌هایشان به کمک احتیاج داشته‌اند کمک کرده‌ایم.

جزییات کمک به کشتی آمریکایی را ممکن است بفرمایید؟

یک کشتی تجاری آمریکایی بود که مورد تهاجم قرار گرفته بود جزییات بیشتری - اینکه کی بود و کجا - به خاطر ندارم. برای ما فرقی نمی‌کند چه کسی و کجا باشد، هرکسی درخواست کمک کند، کمک می‌کنیم. آمریکایی بوده، عربستانی، یمنی، لیبیایی و چین هم بوده است.

شرایط امروز نیروی دریایی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

نیروی دریایی آمادگی بسیار مطلوبی دارد. با اطمینان می‌گویم، ما تجهیزات‌محوریم و در تامین تجهیزات کاملا خودکفا هستیم با نیروی انسانی که شعارش این است: «راه ما راه حسین است». کار نیروهای مسلح آمادگی است و ما آماده‌ایم و هرجا لازم باشد ماموریتمان را انجام خواهیم داد.

پاسخ شما به تهدیدات احتمالی چیست؟

هرجا منافع ایران تهدید شود متناسب با ماموریتمان انجام وظیفه خواهیم کرد.

آینه

بهار

سرمقاله:«هشت‌سال آبشار کوبیدید بس است»
امیرعباس نخعی

بعضی از جناح‌های سیاسی در کشورهایی که روابطی دوستانه با هم ندارند، دچار اشتراک منافع شده و ناخواسته کسانی در کشورشان آب به آسیاب دشمن می‌ریزند و در حالی‌که برای دفاع از منافع کشورشان حنجره پاره می‌کنند منافع دیگران را تامین می‌کنند. در این میان بعضی لابی‌ها و گروه‌های فشار با هدف از پیش‌معین و قانونمند حرکت می‌کنند و بعضی نیز خودسرانه و غیرهدفمند و خارج از قانون اهداف خود را دنبال می‌کنند ... نه در سیاست بلکه در همان والیبال هم صرف کوبیدن آبشار اگر کج و کوله باشد حاصلی ندارد؛ گاهی می‌توان با سرپنجه انگشتان توپ را به داخل زمین حریف انداخت و امتیاز هم گرفت. دوستان هشت‌سال آبشار کوبیدید و کشور به بن‌بست رسید، بس است، بگذارید برای این‌که مردم نفسی تازه کنند، این تیم حرفه‌ای به روش خودش بازی کند.

اعتماد

یادداشت: «افراطیون مقابل اراده مردم»
جلال خوش‌چهره

اقلیت ضعیفی که نتیجه انتخابات اخیر آن را برجسته کرد بدون احترام به اکثریت به مراتب بزرگ‌تر بر طبل مخالف‌خوانی می‌کوبد... خوب است افراطیون نگاهی بیندازند به آمار طلاق؛ بالا رفتن سن ازدواج؛ افزایش بزه‌های اجتماعی؛ دو رقمی شدن آمار بیکاری؛ افزایش فساد در سیستم بروکراسی؛ اختلاس‌ها و سقوط اقتصاد کشور تا رقم منفی و... عجب این است که افراطیون سراپا مسلح به تعصب چرا در آن ایام از عزت کشور دفاع نکردند. آیا یکی از شاخصه‌های عزت جز این است که کشور دچار چنین بلایایی نباشد؟ ... مخالفان سیاست‌های عملگرایانه دولت یازدهم، همسو با مخالفان بیرونی اصرار دارند که در، بر همان پاشنه‌یی بچرخد که آنان در سال‌های اخیر عمل کرده‌اند. این خواست در تعارض با آن چیزی است که مردم اراده کرده‌اند.

جمهوری اسلامی

سرمقاله:«شما هم معتدل باشید»

سخنرانی رییس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل، منطق کوبنده‌ای بود که توانست تمام توپخانه‌های تبلیغاتی آمریکا، اروپا و صهیونیسم بین‌الملل را که همواره ایران را با چهره‌ای خشن و جنگجو معرفی می‌کردند از کار بیندازد ... این سخنرانی را که همه هیات‌ها در آن حضور داشتند با سخنرانی رییس‌جمهور سابق که برای صندلی‌های خالی صحبت می‌کرد مقایسه کنید و به این سوال پاسخ بدهید آیا این سخنرانی مایه عزت ملت ایران و نشان دهنده قدرت و منطق نظام جمهوری‌اسلامی نبود؟ در این سخنرانی ادعای مدیریت جهان توسط رییس‌جمهور ایران مطرح نشد، کاری که رییس‌جمهور سابق کرد و مورد بی‌اعتنایی و ریشخند قرار گرفت ... جالب این است که معترضان همان کسانی هستند که از هشت‌سال قبل تاکنون شاهد رفتارهای غیرمتعارف رییس‌جمهور سابق بودند که به رییس‌جمهور آمریکا نامه نوشت ولی جوابی دریافت نکرد... این حضرات اینها را دیدند ولی هیچ عکس‌العملی نشان ندادند و اعتراضی نکردند و حتی به تحسین او نیز پرداختند!

کیهان

سرمقاله:«آلبوم عکس یک نزول‌خور»؛ محمد ایمانی

آمریکایی‌ها غیر از امتیاز مفتی که به دست آوردند، چقدر حاضرند در آینده به تعهدات خود پایبند باشند ... نهایت توقع آنها در مطالبات پلکانی کجاست؟ ... فعلا در بادی امر روی غنی‌سازی ۲۰درصد ایران مانور می‌دهند و برخی ساده‌دلان نیز این طرف باورشان شده که می‌توان غنی‌سازی ۲۰درصد را تعلیق کرد و دل آمریکا را برای لغو تحریم‌ها به دست آورد ... طبق گزارش هفته گذشته رویترز و نیویورک‌تایمز و بن‌روز مشاور امنیت ملی کاخ‌سفید، دولت اوباما به طور محرمانه به نتانیاهو اطمینان داد هیچ امتیازی به روحانی در جریان سفر به نیویورک نخواهد داد و از فشار تحریم‌ها نخواهد کاست ... وارد شدن در مسیر بازی مذاکراتی که از هم‌اکنون پایان و نتیجه آن را آمریکایی‌ها مشخص کرده‌اند، بازی از پیش باخته است و باید از این بازی احتراز کرد.

رسالت

سرمقاله:«ظریف کاری در دیپلماسی خارجی»
محمدکاظم انبارلویی

یک هفته پیش از سفر آقای روحانی به آمریکا، رویترز و نیویورک‌تایمز از قول سخنگوی کاخ سفید و مشاور امنیت ملی اوباما خبر دادند دولت اوباما به نتانیاهو پیغام محرمانه داده است که مطمئن باشید در مذاکرات با ایران هیچ امتیازی نخواهیم داد و تحریم‌ها را هم لغو نخواهیم کرد ... مهم‌ترین شاخص توفیق در گفتگوها و ارزیابی مذاکرات، کاهش تحریم‌هاست. اینکه اشتون گفته است ۱۲ماه طول می‌کشد که نتایج معلوم شود، نشان می‌دهد سیر و سلوک آنها در دور جدید گفت‌وگوهای ۵+۱ با ایران تغییر نکرده و در بر پاشنه قبلی می‌چرخد.

ایران

یادداشت:« رویدادها به استودیوی تلویزیون نمی‌آیند»
پرویز اسماعیل

مشکل بزرگ رسانه ملی ما این است که رویداد محور نیست و استودیو محور است. این رویدادها نیستند که باید به استودیوی تلویزیون ما بیایند، بلکه این دوربین‌های تلویزیون است که باید برای مخاطب از محل رویداد «روایتِ صحنه» کند... صداوسیما به جای آنکه به‌دنبال حل مشکل خود باشد، باید خطر کند و دل به دریای رویدادها بزند تا بیننده پیدا کند. گفت‌وگوی ویژه شبکه دوم سیما در پنجشنبه شب، دکتر آشنا مشاور رییس‌جمهوری را از بین جلساتی مهم به پشت دوربین خود کشید تا برای مردم سخن بگوید. او خواهش می‌کرد تلویزیون اجازه دهد به جلسه برگردد! حال آنکه درست این بود که ایشان به استودیو نیایند و دوربین تلویزیون به محل حضور او برود. خبرنگارانِ حاضر در نیویورک نیز باید طوری مدیریت می‌شدند که در مکان‌های مهم حضور داشته و به تناسب اهمیت رویداد، ارایه گزارش نمایند.

